

تنگناها و چالش های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی

نعیمه زلالی^۱، بهمن خسروی پور^۲، عادل زارع^۳

۱- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه رامین خوزستان

۲- دانشیار دانشگاه کشاورزی منابع طبیعی رامین خوزستان

۳- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

هدف کلی این پژوهش بررسی چالش های پیش روی دانش آموختگان کشاورزی و اشتغال آنان و پیش بینی روند مشکل آفرینی آن در آینده است. روش تحقیق از لحاظ گردآوری اطلاعات پیمایشی و از نظر ماهیت از نوع کمی است. جامعه آماری تحقیق را مدیران و اعضای هیأت علمی موسسه ها و مراکز تحقیقاتی و آموزشی وابسته به وزرات جهاد کشاورزی واقع در استان تهران (۳۲۷ تن) تشکیل دادند. حجم نمونه آماری بر پایه فرمول کوکران ۱۳۵ تن برآورد شد که برای بالابردن ضریب بازگشت پذیری پرسشنامه، ۱۴۷ تن به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری گزینش شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که روایی و پایایی آن به ترتیب با نظر اعضای هیات علمی دانشکده های کشاورزی، دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس و استفاده از یک بررسی راهنما و محاسبه تتای ترتیبی معادل $\theta = 0.85$ بررسی و تایید شد. نتیجه ی تحقیق نشان داد که از نظر مدیران اجرایی تنگناها و چالش های دانش آموختگان کشاورزی که می تواند در نهایت در دامن زدن به بیکاری آنان نقش بسزایی داشته باشد، به چهار عامل گرایش منفی به انجام کار خصوصی، نبود گزینش عقلایی، بار منفی جامعه در تعیین موقعیت های اجتماعی و تنگناهای جذب دانش آموختگان دسته بندی می-شوند که در مجموع این چهار عامل ۶۹ درصد از واریانس عامل ها و چالش های موجود را تبیین می کند. یافته ها گویای آن است که پاره ای از این چالش ها با عنایت به سیاست های جدید بخش آموزش و کشاورزی روندی کاهنده داشته و بهبودی آنها مورد انتظار پاسخگویان می باشد؛ مانند مدرک گرایی دانش آموختگان، روحیه پشت میز نشینی در میان آنان، نداشتن شناخت کافی از رشته های کشاورزی پیش از ورود به دانشگاه و نبود روحیه خود اشتغالی نزد دانش آموختگان. همچنین مشخص شد که بحران های نظام آموزش کشاورزی در آینده عبارتند از: جذب پایین دانش آموختگان کشاورزی در سازمان های دولتی، مهاجرت دانش آموختگان روستایی به مناطق شهری، اشتغال دانش آموختگان در مشاغل غیر مرتبط و نداشتن گرایش دانش آموختگان به انجام کارهای کشاورزی.

کلید واژه ها: نظام آموزش کشاورزی، چالش های آموزشی، مدیران اجرایی، اشتغال فارغ التحصیلان

نویسنده ی مسئول: نعیمه زلالی

رایانامه: nzolali59@gmail.com

دریافت: ۹۳/۱۲/۰۹؛ پذیرش: ۹۴/۵/۱۹

مقدمه

نیروی انسانی دارای تحصیلات عالی در سال‌های اخیر از لحاظ کمی، رشد قابل توجهی داشته است. از سال‌های تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸-۱۳۸۷ حدود ۸۹۰ هزار دانش‌آموخته در بخش کشاورزی از دانشگاه‌های دولتی و آزاد فارغ‌التحصیل شده‌اند (مصطفی جمشیدی فر و همکاران، ۱۳۸۹). بر اساس بررسی‌های سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۹۳، ۳۸۴۳۸ نفر از فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی بیکار هستند (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۹۳). آمار نرخ بیکاری دانش‌آموختگان، نشانگر مشکلات ساختاری در بازار کار کشور و نامتناسب بودن سامانه برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی با نیازهای بازار کار است.

شاهد‌های آماری نشان می‌دهند که وضعیت بیکاری در بین دانش‌آموختگان کشاورزی بسیار زیاد است. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی بر اساس بررسی‌های صورت گرفته توسط سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۱ گزارش شده که نسبت به دیگر رشته‌ها بالاترین میزان را دارد (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۹۱). متخصصانی که می‌توانستند با ورود به این بخش و کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت، توسعه و خودکفایی در این بخش شوند، بیشتر یا در این بخش نتوانسته‌اند مشغول به کار شوند و بیکار مانده‌اند یا به اشتغال در بخش‌های دیگر و شغل‌های کاذب روی آورده‌اند.

توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی در کشور از یک سو و نبود ظرفیت‌های مناسب برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی از سوی دیگر، باعث شده تا فرصت‌های تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران‌زا و چالش برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از بیکاری دانش‌آموختگان تبدیل شوند. افزون بر این، دانش‌آموختگان دانشگاهی برای ورود به بازار کار، باید توانایی‌های سازگاری و هماهنگی با شرایط در حال تغییر جامعه خود را داشته باشند. پیشرفت فناوری‌ها، هر روز زمینه‌ی فرصت‌های شغلی را تغییر داده و شغل‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند. این امر نیاز به دانش

تجربه تاریخی فرایند توسعه در کشورهای پیشرفته صنعتی نشان می‌دهد که کشاورزی نقش اساسی در توسعه ملی این کشورها را به عهده داشته است (شکوری، ۱۳۸۹). کشاورزی، دارای جنبه‌های پیچیده‌ی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بوم‌شناختی، زیبایی‌شناختی و اخلاقی است. رویارویی مطلوب با پیچیدگی‌ها، نبود قطعیت و هنجارها، ارزش‌ها و گرایش‌های متضاد، نیازمند دگرگونی‌های بنیادی در کارهای کشاورزی و در نتیجه ایجاد تغییرپذیری‌های اساسی در شایستگی‌های موردنیاز دانشجویان کشاورزی و توسعه روستایی است. هدف آموزش، باید شکوفا کردن استعدادها، رشد و بروز قابلیت‌ها و شایستگی‌ها و نه تعریف آینده برای دانشجویان باشد. دانش‌آموختگان کشاورزی نه تنها باید مجهز به مهارت‌های فنی و تخصصی باشند بلکه، باید دارای مهارت‌های تسهیل‌گری فرآیندهای توسعه، شامل تبحر در مدیریت پروژه، ارتباطات و مذاکره نیز باشند (Wals and Bawdon, 2000).

توسعه کشاورزی در هر کشوری تابع مولفه‌های بسیار و تعریف شده‌ای است که مورد توجه سیاستگذاران و متولیان توسعه بخش کشاورزی نیز هست (فلسفی، ۱۳۹۰). یکی از ابزارهایی که می‌تواند نقش حیاتی و ارزنده‌ای در امر رشد و توسعه بخش کشاورزی داشته باشد، آموزش در سطح‌های مختلف و بالا بردن کیفیت دانش نیروی انسانی آموزش دیده دانشگاهی است که به نوبه‌ی خود نیازمند آگاهی پیوسته و به روز مدیران و محققان و مربیان علوم کشاورزی از تنگناها و نیازهای مهارتی و تخصصی در حال تغییر و دگرگونی دانش‌آموختگان کشاورزی است. روشن است که، گویاترین صحنه‌ی نمایش واقعی این تنگناها، بازارهای کار کشاورزی در مناطق و قطب‌های تولیدی کشاورزی در سراسر کشور است.

از سوی دیگر، بیکاری بالا و بیش از انتظار برون‌دادهای نظام‌های آموزش‌مقدماتی، میانی و عالی کشاورزی را می‌توان از جهتی به کم توجهی مسوولان به چالش‌های پیش روی دانش‌آموختگان کشاورزی و کوشش در جهت رفع آنها دانست (زارع، ۱۳۸۴).

در ایران نیز چون بسیاری از کشورهای در حال توسعه،

و علی بیگی (۱۳۸۵) و موحدی (۲۰۰۹)، یکی از دلیل های مهم بیکاری دانش آموختگان کشاورزی، نبود مهارت های مورد نیاز بازار کار از سوی آنان است. رابینسون و همکاران (۲۰۰۷)، درباره احراز مشاغل مختلف کشاورزی در آینده توسط دانش آموختگان رشته های کشاورزی نتیجه می گیرند که داشتن انگیزه و نگرش مثبت، توانایی کار کردن با دیگران و توانایی کار به طور مستقل، مهم ترین عامل های موثر در به دست آوردن شغل در آینده هستند. بنابر بررسی شفيعی و فمی (۱۳۸۶)، پنج عامل زیر به عنوان عامل های موثر بر نگرش دانشجویان کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی شناسایی شدند:

- قابلیت تامین نیازهای روان شناختی
- پایین بودن جایگاه اقتصادی- اجتماعی مشاغل کشاورزی
- مخاطره های شغلی
- نبود دسترسی به اعتبارات و استخدام های دولتی در بخش کشاورزی و

- ناسازگاری مشاغل کشاورزی برای دختران و زنان. باورز براون و هاروی (۲۰۰۴)، در مورد وضعیت اشتغال دانش آموختگان در انگلستان چنین بیان کرده اند که مهارت هایی که دانش آموختگان فرا گرفته اند با آنچه که مورد نیاز کارفرمایان است، فاصله دارد.

موحدی (۱۳۸۶)، نیز در بررسی خود در خصوص مسایل و چالش های اشتغال دانش آموختگان رشته ترویج و آموزش کشاورزی، مهم ترین محدودیت های اشتغال آنان را در این موارد خلاصه کرده است: پایین بودن سطح مهارت های فنی و عملی دانش آموختگان ترویج در زمینه کشاورزی، نظری بودن برنامه های درسی دانشگاه و نبود ارتباط آن با بازار کار، محدودیت های ورود دانش آموختگان به بخش خصوصی، نبود تناسب بین شمار دانش آموختگان و مشاغل موجود، نبود ارتباط دانشگاه و بازار کار.

تحقیق بنی عامریان و همکاران (۱۳۹۰)، که به بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه پرداخته بود نشان داد که ۱۳/۳۴ درصد از آنان در بخش دولتی و ۷۲/۲۶ درصد در بخش خصوصی، ۲/۰۸ درصد به صورت خوداشتغالی

آموختگان کارآفرین و خوداشتغال را روز به روز افزایش می دهد (حسین پور و رضایی، ۱۳۸۹).

نبود روحیه ی خود اشتغالی و کار آفرینی و اعتماد به نفس، کمبود تخصص گرایي و بالا بودن مدرک گرایي، روحیه پشت میز نشینی و اشتغال در مشاغل غیر مرتبط، همگی گویای کم توانی دانش آموختگان برای جذب، به بازار کار کشاورزی هستند. موسسه های آموزش کشاورزی باید شایستگی هایی را در دانش آموختگان خود بارور کنند تا آنان قادر باشند با نبود قطعیت، موقعیت های پیچیده و نامعین و هنجارها، ارزش ها و علایق متضاد یا دست کم گوناگون برخورد شایسته کنند. برخی از این شایستگی ها در ارزش ها، نگرش ها و رفتار افراد نهفته است و این به آن مفهوم است که آموزش کشاورزی افزون بر انتقال شایستگی های فنی باید به دانشجویان در به دست آوردن ارزش ها، نگرش ها و رفتارهای مثبت مرتبط با رشته و تخصص خود کمک کند. (Patel et al, 2001)

انتقادهایی که امروزه بر آموزش کشاورزی وارد می شود به طور آشکار گویای این واقعیت است که در مورد آموزش کشاورزی باید به صورت انتقادی، باز اندیشی و ارکان آن مبتنی بر زمینه و اوضاع و احوال موجود و پیش بینی آینده، مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد. به بیان استرلینگ (۲۰۰۰)، نظام آموزشی موجود بر رقابت و مصرف دارد تا نگهداری و حفظ. نظام آموزشی موجود به تربیت هزاران متفکر ناتوان در برابر دگرگونی های شتابان و به طور عمیق نظام یافته جامعه امروز، مشغول است.

به باور کانن (۲۰۰۵)، داوطلبان ورود به دانشگاه ها در امریکا بنا به دلیل های پر شمار، گرایشی برای ورود به رشته های کشاورزی ندارند. از جمله: کاهش نقش بخش کشاورزی نسبت به صنعت در رشد اقتصادی در دهه های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰، افزایش شدید قیمت ها، تبلیغات بد رسانه های خبری درباره کشاورزی و بزرگ نمایی تنگناهای زندگی روستایی و کشاورزی و نداشتن دانش و مهارت های حرفه ای دانش آموختگان کشاورزی.

زمانی و لاری (۱۳۸۳)، باور دارند که نداشتن اعتماد به نفس در دانش آموختگان کشاورزی، نبود شناخت از رشته های کشاورزی و کمبود فعالیت های اقتصادی بازاریارنده جذب آنان در بازار کار می شود. به نظر شهبازی

برای دسته بندی و تعیین روند چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در آینده سه حالت زیر در نظر گرفته شد:

حالت بهبود: میانگین نمره‌های چالش‌ها در آینده به شکل معنی‌داری پایین‌تر از میانگین نمره‌های چالش‌ها در شرایط کنونی است.

حالت بحران: میانگین نمره‌های چالش‌ها در آینده به شکل معنی‌داری بیش‌تر از میانگین نمره‌های چالش‌ها در شرایط کنونی است.

حالت ایستا: میانگین نمره‌های چالش‌ها در آینده تفاوت معنی‌داری با میانگین نمره‌های چالش‌ها در شرایط کنونی ندارد.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر امکان کنترل متغیرها از نوع غیر آزمایشی و از نظر هدف از نوع کاربردی به شمار می‌آید. جامعه آماری مورد بررسی را مدیران و اعضای هیأت علمی موسسه‌ها و مراکزهای تحقیقاتی و آموزشی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی واقع در استان تهران (۳۲۷ تن) در سال ۱۳۹۳ تشکیل دادند. حجم نمونه آماری در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۷ تن تعیین شد. برای این منظور در آغاز پرسشنامه میان ۳۰ تن از مدیران و اعضای هیأت علمی وزارت جهاد کشاورزی واقع در استان البرز توزیع و انحراف معیار گرایش دانش‌آموختگان به کار کشاورزی معادل ۰/۳۸۷۱ محاسبه شد. برای بالا بردن ضریب بازگشت پرسشنامه، این تعداد به ۱۴۷ نمونه افزایش داده شد. در نهایت ۱۳۷ پرسشنامه تکمیل شده و به محقق رسید.

ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که محور اصلی‌گویه‌های آن از بررسی‌های پیشین و نیز مصاحبه با مدیران اجرایی به دست آمد و روایی آن با نظر اعضای هیأت علمی دانشکده‌های کشاورزی، دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس به تأیید رسید. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۰ نسخه پرسشنامه بررسی راه‌نما آزمون شد و با محاسبه تتای ترتیبی با استفاده از نرم افزار R معادل ۰/۸۵ اعتبار یا پایایی آن

و ۸/۳۲ درصد در بخش غیرکشاورزی مشغول به فعالیت هستند.

در تحقیق برآبادی و همکاران (۱۳۸۸)، نداشتن تجربه عملی و آموزش‌های کاربردی و در پی آن نداشتن اعتماد به نفس برای اشتغال، گرایش به اشتغال در شهرها و انتظارهای غیراصولی در اذهان دانش‌آموختگان (مانند مدرک‌گرایی و به دست آوردن درآمد زیاد از مشاغل شهری)، اعتبار پایین رشته‌های کشاورزی، محبوبیت شغل‌های غیرمولد شهری، منزلت پایین رشته‌های کشاورزی در نزد اجتماع از بازدارنده‌های مهم دانش‌آموختگان بر سر راه اشتغال است.

با توجه به پیشینه‌ی پژوهش، اجزای تشکیل‌دهنده چالش‌های پیش روی دانش‌آموختگان در زیرارایه می‌شود.

- مدرک‌گرایی

- نبود روحیه خود اشتغالی

- جذب پایین دانش‌آموختگان

- نبود روحیه کارآفرینی

- مهاجرت

- اعتماد به نفس پایین

- روحیه پشت میز نشینی

- نبود علاقه به حرفه کشاورزی

- نبود شناخت از رشته‌های کشاورزی

- نداشتن توانایی انجام کار تخصصی

- اشتغال در مشاغل غیر مرتبط

- نبود تخصص‌گرایی

- نداشتن شناخت از زندگی روستایی

- نبود گرایش به انجام کار کشاورزی

این مطالعه به بررسی روند چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در آینده پرداخته است که در این راستا هدف‌های زیر را دنبال می‌نماید.

- شناسایی چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

- اولویت بندی چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان

کشاورزی

- دسته بندی و تعیین روند چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در آینده

رشته‌های غیرکشاورزی و غیرمرتبط تحصیل کرده‌اند که در قیاس با مدیران اندکی کمتر بوده، هم چنین ۹/۵ درصد نیز در رشته‌های غیرکشاورزی ولی مرتبط با فعالیت‌های وزارت جهاد کشاورزی مشغول بودند که در قیاس با ۲۰/۶ درصد مدیران بسیار کمتر بود و در نهایت در بخش سایرین ۷۸/۶ درصد از پاسخگویان دانش آموخته رشته‌های کشاورزی هستند که در قیاس با ۶۰/۳ درصد مدیران بسیار بیشتر بود.

همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، از ۱۴ چالش مورد بررسی ۶ چالش وضعیت ایستا دارند، به عبارت دیگر وضعیت این چالش‌ها در شرایط فعلی و آینده تفاوت معنی داری ندارند، این چالش‌ها عبارتند از:

- نبود شناخت دانش آموختگان کشاورزی از زندگی کشاورزی
- نبود روحیه کارآفرینی نزد دانش آموختگان
- اعتماد به نفس پایین دانش آموختگان در آغاز به کار کشاورزی
- نبود علاقه به حرفه کشاورزی در بین دانش آموختگان
- نداشتن توانایی در انجام امور تخصصی
- نبود تخصص‌گرایی نزد دانش آموختگان

مورد تایید قرار گرفت. برای پردازش داده‌های گردآوری شده از آزمون نشانه و تحلیل عاملی با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی جنس پاسخگویان نشان داد که از میان پاسخگویان ۳/۴ درصد زن و ۹۶/۶ درصد را مرد تشکیل داده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۲/۰۵ سال است. از مجموع ۱۳۷ پاسخگو، ۶۸ نفر در دسته مدیران و ۴۲ نفر نیز در دسته اعضای هیأت علمی بوده و مابقی وضعیت خود را مشخص نکرده‌اند.

در بخش مدیران، ۶۰/۳ درصد دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی بودند و ۲۰/۶ درصد از آنها در رشته‌های غیرکشاورزی ولی مرتبط با فعالیت‌های وزارت جهاد کشاورزی مانند توسعه روستایی، تأسیسات آب، مدیریت دولتی و تعاون تحصیل کرده‌اند و ۱۹/۱ درصد دانش آموختگان رشته‌های غیرکشاورزی و غیرمرتبط با فعالیت‌های کشاورزی هستند.

در بخشی که بیشتر از اعضای هیأت علمی و مربیان مراکز آموزش جهاد کشاورزی بودند وضع از نظر رشته‌های تحصیلی اندکی با وضعیت مدیران متفاوت بود. به ترتیبی که در این بخش تنها ۱۱/۹ درصد از پاسخگویان در

جدول ۱- مقایسه وضع کنونی روند چالش‌های دانش آموختگان کشاورزی و آینده

چالش	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت آینده	Z	P	پیش بینی وضعیت آینده
مدرك گرايي دانش آموختگان	۴/۳۰	۴/۰۱	۲/۳۳۹	۰/۰۱۹	بحران
جذب پايين دانش آموختگان کشاورزي در سازمان‌هاي دولتي	۴/۲۷	۴/۴۱	۲/۱۱۹	۰/۰۳۴	بحران
مهاجرت دانش آموختگان روستائي به مناطق شهري	۴/۱۴	۴/۳۱	۳/۰۱۹	۰/۰۰۳	بهبود
روحيه پشت‌ميز نشيني در ميان دانش آموختگان	۴/۰۹	۳/۸۶	۲/۵۸۵	۰/۰۰۱	بهبود
نبود شناخت از رشته‌هاي کشاورزي پيش از ورود به دانشگاه	۳/۸۵	۳/۲۴	۶/۱۶۱	۰/۰۰۰	بحران
اشتغال دانش آموختگان در مشاغل غير مرتبط	۳/۵۸	۳/۶۷	۲/۶۶۵	۰/۰۰۸	ايستا
نبود شناخت دانش آموختگان کشاورزي از زندگي کشاورزي	۳/۵۷	۳/۵۱	۰/۲۴۴	۰/۸۰۷	بهبود
نبود روحيه خود اشتغالي نزد دانش آموختگان	۳/۵۷	۳/۲۸	۳/۰۹۷	۰/۰۰۲	ايستا
نبود روحيه کارآفريني نزد دانش آموختگان	۳/۵۳	۳/۵۰	۰/۲۴۴	۰/۸۰۷	ايستا
اعتماد به نفس پايين دانش آموختگان در آغاز به کار کشاورزي	۳/۵۱	۳/۴۵	۰/۳۶۹	۰/۷۱۲	ايستا
نبود علاقه به حرفه کشاورزي در بين دانش آموختگان	۳/۲۲	۳/۱۹	۰/۱۱۳	۰/۹۱۰	ايستا
نداشتن توانايي در انجام امور تخصصي	۳/۲۰	۳/۲۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	ايستا
نبود تخصص‌گرايي نزد دانش آموختگان	۳/۰۲	۲/۹۱	۱/۷۱۰	۰/۰۸۷	بحران
نداشتن گرايش دانش آموختگان به انجام کارهاي کشاورزي	۲/۹۸	۳/۳۱	۲/۶۶۸	۰/۰۰۸	بحران

- نبود روحیه خود اشتغالی نزد دانش‌آموختگان
تنگناها و چالش‌های مهم مورد بررسی که پیش‌بینی
وضعیت بحرانی برای آن‌ها نشان از بدتر شدن وضعیت آن
ها در آینده دارد، عبارتند از:
- جذب پایین دانش‌آموختگان کشاورزی در سازمان‌های
دولتی

- مهاجرت دانش‌آموختگان روستایی به مناطق شهری
- اشتغال دانش‌آموختگان در مشاغل غیرمرتبط
- نداشتن گرایش دانش‌آموختگان به انجام کارهای
کشاورزی

بررسی روند چالش‌های دانش‌آموختگان کشاورزی
در شرایط کنونی و آینده هم‌چنین نشان داد که چهار
چالش مورد بررسی در آینده روند بهبود دارند، به عبارت
بهتر پیش‌بینی شده است این چالش‌ها در آینده نسبت
به وضعیت کنونی میانگین کمتری خواهند داشت، این
چالش‌ها عبارتند از:

- مدرک‌گرایی دانش‌آموختگان
- روحیه پشت‌میز‌نشینی در میان دانش‌آموختگان
- نبود شناخت از رشته‌های کشاورزی پیش از ورود به
دانشگاه

جدول ۲- اولویت بندی چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان در حالت بهبود

اولویت	ضریب تغییر پذیری	انحراف معیار	میانگین	چالش	حالت چالش
۳	۳,۶۴	۱,۰۴	۰,۲۹	مدرک‌گرایی دانش‌آموختگان	
۴	۳,۹۲	۰,۸۸	۰,۲۳	روحیه پشت‌میز‌نشینی در میان دانش‌آموختگان	
۱	۱,۴۷	۰,۹۱	۰,۶۲	نبود شناخت از رشته‌های کشاورزی پیش از ورود به دانشگاه	بحران
۲	۳,۲۵	۰,۹۸	۰,۳۰	نبود روحیه خود اشتغالی نزد دانش‌آموختگان	
۳	۵,۷۱	۰,۷۶	۰,۱۳	جذب پایین دانش‌آموختگان کشاورزی در سازمان‌های دولتی	
۲	۵,۲۷	۰,۸۷	۰,۱۷	مهاجرت دانش‌آموختگان روستایی به مناطق شهری	
۴	۹,۳۶	۱,۱۲	۰,۱۲	اشتغال دانش‌آموختگان در مشاغل غیرمرتبط	
۱	۳,۶۳	۱,۱۹	۰,۳۳	نداشتن گرایش دانش‌آموختگان به انجام کارهای کشاورزی	

مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شدند. پس از چرخش عاملی
به روش واریمکس، چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان در
چهار عامل دسته بندی شدند (جدول ۳).

جدول ۳- خلاصه تحلیل عاملی چالش‌های دانش‌آموختگان کشاورزی

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
اول	۳/۳۵۱	۲۳/۲۵۴	۲۳/۲۵۴
دوم	۱/۸۹۰	۱۸/۱۵۴	۴۱/۴۰۸
سوم	۱/۶۱۱	۱۵/۳۸۶	۵۶/۷۹۴
چهارم	۱/۳۲۴	۱۲/۳۵۴	۶۹/۸۴۱

با توجه به مقدار ویژه ی عامل‌های استخراج شده، عامل
گرایش منفی به انجام کار خصوصی با مقدار ویژه ی ۲۳/۲۵۴
بیشترین سهم در تبیین واریانس کل چالش‌های اشتغال
دانش‌آموختگان را دارا است و پس از آن، عامل نبود گزینش

اولویت بندی چالش‌ها در حالت بهبود نشان داد که
نبود شناخت از رشته‌های کشاورزی پیش از ورود به
دانشگاه بهترین وضعیت و روحیه پشت‌میز‌نشینی در
میان دانش‌آموختگان نیز بدترین وضعیت را دارد. اولویت
بندی چالش‌ها در وضعیت بحران نیز نشان داد که نداشتن
گرایش دانش‌آموختگان به انجام کارهای کشاورزی در
بدترین وضعیت قرار دارد و اشتغال دانش‌آموختگان در
مشاغل غیرمرتبط نیز وضعیت بهتری را نشان می‌دهد.
به منظور کاهش ساخت عامل‌ها در تحقیق و تعیین سهم
هر عامل در تبیین واریانس متغیرهای مربوط، از تحلیل
عامل اکتشافی استفاده شد. محاسبه‌های انجام شده نشان
داد که انسجام درونی داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب
بود ($KMO=0/769$) و آماره بارتلت نیز در سطح $P=0/000$
معنی دار بود (بارتلت = $324/242$). در این تحقیق برای
استخراج عامل‌ها از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و روش
متعامد استفاده شد. با توجه به ملاک کیسر، چهار عامل دارای

عقلایی با مقدار ویژه ی ۱۸/۱۵۴، عامل بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی با مقدار ویژه ی ۱۵/۳۸۶ و عامل چالش های جذب دانش آموختگان با مقدار ویژه ی ۱۲/۳۵۴ قرار دارند. در مجموع عامل های یاد شده ۶۹/۸۴ درصد از واریانس یا تغییرپذیری متغیرها را تبیین می کنند (جدول ۳).

جدول ۴- چرخش عاملی چالش های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی

نام عامل	متغیر	بار عاملی
گرایش منفی به انجام کار خصوصی	نبود روحیه خوداشتغالی	.۷۳۵
	نبود روحیه کارآفرینی	.۷۳۳
	نبود اعتماد به نفس در آغاز به کار کشاورزی	.۶۹۹
نبود گزینش عقلایی	نداشتن شناخت کافی از رشته‌های کشاورزی پیش از ورود به دانشگاه	.۷۵۱
	نداشتن آشنایی با زندگی روستایی و کشاورزی	.۷۲۷
	نداشتن علاقه به حرفه کشاورزی	.۶۳۰
بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی	کمبود تخصص‌گرایی	.۶۱۳
	مدرک‌گرایی	.۷۷۴
	روحیه پشت‌میزنشینی	.۶۷۶
چالش های جذب دانش آموختگان	مهاجرت دانش آموختگان روستایی به شهر	.۵۸۸
	اشتغال دانش آموختگان در مشاغل غیر مرتبط	.۸۱۳
	جذب پایین دانش آموختگان کشاورزی در سازمان‌های دولتی	.۵۹۴

کشاورزی دومین عامل موثر بر اشتغال دانش آموختگان است که با نتیجه بررسی های کانن (۲۰۰۵) و زمانی و لاری (۱۳۸۳) هم راستاست. در نهایت بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی و نارسایی های جذب دانش آموختگان از جمله عامل های هستند که به عنوان موانعی بر سر راه اشتغال دانش آموختگان قرار دارند که به ترتیب با بررسی های برآبادی و همکاران (۱۳۸۸) و بنی عامریان (۱۳۹۰) همخوانی دارند.

دیگر نتایج تحقیق گویای آنست که نارسایی هایی چون جذب پایین دانش آموختگان کشاورزی در سازمان‌های دولتی، مهاجرت دانش آموختگان روستایی به مناطق شهری و اشتغال دانش آموختگان در مشاغل غیرمرتبط از بحران های پیش روی نظام آموزش کشاورزی در بخش اشتغال است. به عبارتی روشن تر وضعیت این نارسایی ها روز به روز در حال وخیم تر شدن بوده که لازم است تدابیری در راستای رفع این بحران ها اندیشیده شود. خوشبختانه روند چالش هایی چون مدرک‌گرایی دانش آموختگان، روحیه پشت‌میزنشینی در میان آنان، نبود شناخت کافی از رشته‌های کشاورزی پیش از ورود به دانشگاه و نبود روحیه خود اشتغالی نزد دانش آموختگان رو به بهبود است هر چند برای رسیدن به موقعیتی مطلوب

بر پایه مقدار ویژه چهار عامل با مقدار ویژه بزرگتر از یک استخراج شدند که به ترتیب گزارش بیشینه واریانس مرتب شدند. با توجه به طبیعت هر یک از عامل ها و ماهیت چالش های اشتغال دانش آموختگان، این عامل ها به نام: عامل گرایش منفی به انجام کار خصوصی، عامل نبود گزینش عقلایی، عامل بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی و عامل چالش های جذب دانش آموختگان نامگذاری شدند (جدول ۴).

بحث و نتیجه گیری

در سال های اخیر، با افزایش شمار دانش آموختگان کشاورزی، اشتغال آنان با چالش های جدی روبه رو شده است. به همین دلیل بسیاری از دانش آموختگان این رشته ها به کارهای غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود پس از پایان تحصیل می پردازند که باعث هدررفت منابع و سرمایه گذاری های انجام شده روی آنان می شود. گرایش منفی به کار خصوصی و نداشتن روحیه کارآفرینی از مهم ترین مشکل دانش آموختگان کشاورزی است که با نتایج تحقیق زمانی و لاری (۱۳۸۳) همخوانی دارد. آمارهای به دست آمده از تحقیق بنی عامریان و همکاران (۱۳۹۰) نیز این عامل ها را تایید می کنند. نبود گزینش عقلایی رشته

ب- چالش عدم انتخاب عقلایی رشته‌های کشاورزی
 - اعمال تمهیداتی در برگزاری آزمون‌های ورودی و جذب دانشجویان با توجه با علاقه‌مندی آنان به رشته‌های کشاورزی
 - اختصاص درصد زیادی از سهمیه‌ی جذب به کشاورزان
 - تکیه‌ی بیشتر دانشگاه‌ها به نارسایی‌های موجود محلی، منطقه‌ای و در نهایت کشوری
 - ارایه‌ی تصویر روشنی از آینده شغلی رشته‌های کشاورزی
 - تجزیه و تحلیل از نیاز شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی
 - بازدید دانشجویان کشاورزی از روستاها در بدو ورود به دانشگاه و آشنایی آنان با نیازها و تنگناهای زندگی روستایی
 ج- چالش بار منفی جامعه در تعیین موقعیت‌های اجتماعی
 - ارزش‌گذاری مثبت برای رشته‌های کشاورزی در سطح جامعه
 - راهنمایی و مشاوره مناسب و به‌کارگیری روش‌های انگیزشی از جمله مشارکت دادن دانشجویان در فعالیت‌های مختلف آموزشی و پژوهشی در دوران تحصیل به منظور ایجاد انگیزه در دانشجویان کشاورزی و علاقمند کردن آنان
 - ایجاد جایگاه قانونی برای سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی
 - سیاست‌گذاری مناسب و سرمایه‌گذاری جدی دولت در بخش کشاورزی
 د- چالش جذب دانش‌آموختگان
 - به‌کارگیری نیروی متخصص و نخبه علمی کشاورزی در مراکز دولتی
 - اجرای پروژه‌های پژوهشی مشترک میان وزارت جهاد کشاورزی و دانشگاه به منظور شناسایی نیروهای متخصص
 - ایجاد ارتباط قوی میان نهادهای آموزش عالی و سازمان‌های ترویج و تحقیق

و آرمانی نیاز به تلاش و توجه بیشتری از سوی مسوولان نظام دارد. در نهایت نبود گرایش در دانش‌آموختگان به انجام کارها و امور مربوط به کشاورزی چالشی است که نظام آموزش عالی با آن روبه‌رو بوده و کم‌توجهی به آن ممکن است غیرمتخصصان را بیشتر به این عرصه وارد کند. هم‌چنان که متاسفانه در همین تحقیق آمده است حدود ۴۰ درصد از پاسخگویان تخصص غیرکشاورزی دارند. برپایه نتایج تحقیق پیشنهادهای جداگانه‌ای برای رفع هرکدام از چالش‌ها ارایه می‌گردد:

الف- چالش گرایش منفی به انجام کار خصوصی
 - تلاش در جهت افزایش روحیه کارآفرینی در دانش‌آموختگان دانشگاهی
 - ترغیب دانشجویان و دانش‌آموختگان به عضویت و همکاری با شرکت‌های دانش بنیان و خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی
 - چند مرحله‌ای کردن و پربار کردن دوره کارآموزی تا رسیدن دانش‌آموختگان به سطحی از مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار
 - در نظر گرفتن شرایط و تسهیلات لازم برای بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی از طریق تقویت فعالیت‌های کارآفرینی، فعالیت‌های خوداشتغالی، فعالیت‌های مشارکتی و آموزش‌ها و مهارت‌های عملی
 - بهبود وضعیت اشتغال با برقراری ارتباط تنگاتنگ بین انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و شرکت‌های دانش بنیان فعال در بازارکار
 - اجرای دوره‌های علمی-کاربردی و اختصاص واحدهای عملی بیشتر به جای واحدهای نظری
 - حمایت از پژوهش‌های دانشجویی با تجاری‌سازی آنها
 - برقراری تناسب میان نیاز بازار کار و شمار پذیرفته‌شدگان دانشگاهی
 - ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مرتبط با کشاورزی در بخش‌های غیردولتی اعم از خصوصی، تعاونی و سازمان‌های غیردولتی
 - واگذار کردن اراضی کشاورزی به دانش‌آموختگان جوان
 - تلاش‌های تحقیقاتی در جهت اقتصادی کردن فعالیت‌های کشاورزی

منبع‌ها

- برابادی، سید ابوالقاسم، ملک محمدی، ا و اسدی، ع. (۱۳۸۸). موانع آموزشی اجتماعی و فرهنگی اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی، اقتصاد، کار و جامعه، شماره ۱۰۹، صفحات ۹۲-۱۰۰
- حسینی پور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۹). بررسی گرایش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی. مجله توسعه کارآفرینی، سال ۳، شماره ۱۰، صفحات ۱۳۵-۱۵۳
- رفیعی طالقانی، م. (۱۳۸۸). افزایش در آمار تعداد دانش‌آموختگان بیکار، کدام توسعه. روزنامه اعتماد خرداد ماه زارع، ع (۱۳۸۴). طرح بررسی مشکلات و چالش‌های بخش کشاورزی با رویکرد نیروی انسانی. معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی، دفتر بهسازی نیروی انسانی
- زمانی، غ، و لاری، م. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش‌آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران جلد ۲، شماره ۲، صفحات ۴۰
- شفیعی، ف، و شعبان علی فمی، ح (۱۳۸۶). بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی، مطالعه موردی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. انجمن جمعیت شناسی ایران جلد ۴، شماره ۲، صفحات ۱۷۳-۱۹۲
- شکوری، ع. (۱۳۸۹). سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران. انتشارات سمت، چاپ سوم، صفحات ۱-۵
- شهبازی، ا. و علی بیگی، ا. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۲۴
- فلسفی، پ. (۱۳۹۰). بررسی نگرش کشاورزان روستاهای شهرستان بوئین زهرا نسبت به نقش آفرینی نظام ترویج کشاورزی در ایجاد زمینه‌های مشارکت نهادمند آنها در تحقق اولویت‌های بخش کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نوزدهم، شماره ۷۵
- بنی عامریان، ل.، زرافشانی، ک. و رستمی، ف. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته ترویج و آموزش کشاورزی: مطالعه موردی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه نامه آموزش عالی، دوره جدید سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۰ صفحات ۳۱-۴۴
- جمشیدی فر، م.، خرمی، ش و راحلی، ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشکده کشاورزی تبریز. مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹
- سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۹۱). آمار نرخ بیکاری فارغ التحصیلان. قابل دسترسی از طریق <http://iaeo.org/?p=7612>
- سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی (۱۳۹۳). نرخ بیکاری ۲۵ درصدی دانش‌آموختگان. قابل دسترسی از طریق <http://iaeo.org/?p=4038>
- موحدی، ر. (۱۳۸۶). مسایل و مشکلات اشتغال فارغ التحصیلان رشته ترویج و آموزش کشاورزی. (BLOGFA.COM)
- نصرالهی، ه. (۱۳۸۸). بررسی اشتغال مهندسين بخش کشاورزی و منابع طبیعی تهران: دفتر مشاوره شغلی و کاریابی سپاهان.

Bowers Brown, Tomsin; Harvey, Lee (2004). Are there too many graduates in the UK? A literature review and an analysis of graduate employability. *Industry & higher education Journal*. (243- 254).

Cannon, J. G. (2005). Perceptions of the influence of the Virginia governor's school for agriculture on VGSA Alumni. (Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University).

Movahedi, R. (2009). Competencies needed by agricultural extension and education undergraduates for employment in the Iranian labor market. Berlin. Retrieved from <http://Dissertation.de/>

Patel, K.B., Maina, M, Haggmann, J., & Woome, P.L. (2001). Curriculum development and transformation in rural development and natural resource management. Paper presented at the strategy workshop of the Rockefeller Foundation's Bellagio Center, Italy.

Robinson, J. S., Garton, B. L., & Terry, R. (2007). Identifying the employability Skills needed in the workplace according to supervisors of college of agriculture, food and natural resources graduates. *Journal of Southern Agricultural Education Research*, 57(1), 95-100. Retrieved from <http://pubs.aged.tamu.edu/jsaer/pdf/Vol57/57-01-95.pdf/>

Sterling, S. (2000) the significance of systems thinking to environmental education, health, education and beyond. In Jensen, B.B., Schnack, K. & Simovska, V. (Eds.). *Critical environmental and health education: Research issues and challenges*, pp. 251-270. Denmark: The Danish University of Education

Sterling, S. (2001) *Sustainable education: Re-visioning and change*. UK: Green Books Ltd.

Wals, A.E.J., & Bawden, R. (2000). *Integrated sustainability into agricultural education: Dealing with complexity, uncertainty and diverging worldviews*. Scotland, University of Aberdeen.

Obstacles and challenges of Agricultural Graduates Employment from the views point of Executive managers

N. Zolali¹, B. Khosravipour², A. Zare³

1- Ph.D Student in Agricultural Education Khozestan Ramin Agricultural and Natural Resources University, Ahvaz, Iran

2- Associate Professor Department of Agricultural Extention and Education, Khozestan Ramin Agricultural and Natural Resources University, Ahvaz, Iran

3- Ph.D Student in Agricultural Extention, Tarbiat Modares Agricultural and Natural Resources University, Tehran, Iran

Abstract

The aim of this study was to investigate the employment problems of agricultural graduates and foresee trends in the future. A survey research methodology was conducted in this research. The Research instrument (questionnaire). face validity was confirmed by a panel of Tarbiat Modarres and Tehran Universities agricultural extension and education experts and its reliability was calculated ($\theta=0.85$) using ordinal theta. The target population included administrators and faculty members at the research and educational institutions of Jihad-Keshavarzi in Tehran Province (N=327) from them 147 members were selected by using random sampling method. The results indicate that Executive Administrators were summarized agriculture graduates problems in four factors: Negative attitude to do private jobs, non- rational choice of major, negative social status and graduates employment problems. These four factors explained 69% of variables variance factors and present problems. Results showed that some of these problems, according to the new educational and agricultural policies, have decreasing trend and at the same time improvement is expected in resolving them by respondents such as in credentiality and desk mindset of graduates, lack of knowledge of agricultural fields before entering the university and the lack of self-employment intention among the graduates. The results showed that crises of agricultural education system in the future includes; low employment opportunity for agricultural graduates in public organizations, migration of rural graduates to urban areas, employment of graduates in unrelated jobs The wandering challenge however, is the unwillingness of agricultural to getting involved in graduates agriculture.

Index Terms: Agricultural education system, educational challenge, agricultural executive administrator, graduates employment

Corresponding Author: N. Zolali

Email: nzolali59@gmail.com

Received: 28/02/2015 ; **Accepted:** 10/08/2015